

آمریکا روزبهروز ضعیفتر و دشمنان آن قویتر می‌شوند

یک اندیشکده آمریکایی در گزارشی با اشاره به افول آمریکا در صحنه جهانی بواسطه بی‌کفایتی دولت "بارک اوباما"، نوشت که آمریکا روزبهروز ضعیفتر و دشمنان آن قویتر می‌شوند.



یک اندیشکده آمریکایی در گزارشی با اشاره به افول آمریکا در صحنه جهانی بواسطه بی‌کفایتی دولت "بارک اوباما"، نوشت که آمریکا روزبهروز ضعیفتر و دشمنان آن قویتر می‌شوند.

به گزارش فارس، اندیشکده "هریتج" مقاله‌ای را به قلم "نیل گاردینر" مدیر مرکز "مارگارت تاچر برای آزادی" درباره عملکرد سران کاخ سفید در عرصه جهانی منتشر کرد. این مقاله به شرح زیر است:

*انفعال واشنگتن در مواجهه با چالش‌های بزرگ

آمریکا با جهانی روبرو شده است که به مراتب خطرناک‌تر است؛ ایران هسته‌ای، آشفتنگی فزاینده در شمال آفریقا، روسیه سلطه‌جو در اروپا، چین قدرت طلب در شرق، دولت یاغی در کره شمالی و تهدید تروریسم. اما به نظر می‌رسد واشنگتن در مواجهه با این چالش‌های بزرگ تقریباً منفعل است و دولت آمریکا علناً فاقد هرگونه چشم انداز بلندمدت منسجم برای حفظ جایگاه آمریکا به عنوان ابرقدرت جهان است. از تهران گرفته تا طرابلس، دولت اوباما به طور غیرعادی آهسته عمل کرده است.

*آمریکا در رویکردهایش دچار گیجی شده است

تنها چند سال پیش، آمریکا در صحنه جهانی از ابهت زیادی برخوردار بود و رژیم‌های دیکتاتور، رقبای راهبردی، و دولت‌های حامی تروریسم در برابر قدرتمندترین ملت دنیا با احتیاط گام‌های خود را بر می‌داشتند. اکنون آمریکا در رویکردهایش ضعیف، فاقد رهبری قوی و اغلب گیج به نظر می‌رسد. این روش خطرناکی برای اداره کشور است که تنها دشمنان آمریکا را جسورتر کرده، متحدان این کشور را سردرگم کرده است و قدرت جهانی آمریکا را تضعیف می‌کند.

* هیچ هدف بزرگی در سیاست خارجی اوباما وجود ندارد

به نظر می‌رسد که هیچ هدف بزرگی در سیاست خارجی بارک اوباما وجود نداشته باشد، نه راهبردی برای افزایش قدرت آمریکا، نه تدبیری برای جنگ جهانی علیه مبارزان مسلمان و نه تمایلی برای تقویت دفاعی آمریکا در دولت اوباما دیده می‌شود. رویکرد وی درباره مسائل بین‌المللی دقیقاً بر عکس "رونالد ریگان" است. این رویکرد بیشتر بر این عقیده خام استوار است که می‌توان بر دشمنان آمریکا با تعامل و نه رویارویی با حداکثر قدرت فائق آمد و اینکه می‌توان امنیت آمریکا را با سازش‌های بزرگ ارتقا بخشید.

علی‌رغم ریگان، اوباما نتوانست آمریکا را به عنوان یک ملت متمایز با نقشی منحصر به فرد در رهبری جهان آزاد ببیند که در برابر ظلم و ستم ایستاده است. اوباما در سخنرانی‌هایش در خارج از کشور همواره کشور خود را مقصر دانسته و اعتمادی به عظمت آمریکا ندارد. از قاهره گرفته تا استراسبورگ، وی لحنی عذرخواهانه را به جای نشان دادن اعتقاد به آمریکا به عنوان کشوری برگزیده و مهد آزادی برگزیده است. رهبری که به نقش تاریخی کشورش به عنوان یک آزادی‌بخش بزرگ نگاه نمی‌کند، نمی‌تواند در خارج از این کشور قدرت آمریکا را افزایش دهد.

* دست‌کم گرفتن متحدان آمریکا

یکی از قصورهای اصلی سیاست خارجی اوباما، تمایل وی به رنجاندن یا حتی تحقیر کردن متحدان اصلی آمریکا در جهت تلاش برای خوشحال کردن رژیم‌های متخاصم، رقبای راهبردی یا حتی کل کشورهای جهان اسلام یا آمریکا لاتین بوده است. در واقع، تیم سیاست خارجی اوباما بیشتر تلاش کرده است که دوستان آمریکا را کاهش دهد و اهمیتی برای قدرت رهبری آمریکا در جهان مدرن قائل نیست.

نمونه‌های اولیه این سیاست را می‌توان در تاکتیک‌های خصمانه دولت اوباما علیه بنیامین نتانیاهو درباره ساخت شهرک‌های اسرائیلی، تسلیم شدن در برابر مسکو درباره سپر دفاع موشکی و نادیده گرفتن لهستانی‌ها و چکی‌ها، تصمیم برای حمایت از مارکسیست‌ها در هندوراس، و حمایت از آرژانتین در مذاکرات تحت نظارت سازمان ملل در خصوص مالکیت جزایر "فالکلند" مشاهده کرد. همه این اقدامات منجر به تنش‌های قابل توجهی میان آمریکا و دوستان واقعیش شده‌اند در حالی که منافع

محسوسي را براي واشنگتن به ارمغان نياورده‌اند. آنها تنها منجر به فقدان وفاداري و ضعف قابل توجه در آمريكا شده اند.

* كم‌توجهي دولت اوباما به روابط با لندن

دولت آمريكا توجه كمي به حفاظت و افزايش اتحادهاي سنتي اين کشور از جمله روابط خاص ميان آمريكا و انگليس کرده است که قلب تپنده اتحاد منطقه اقيانوس اطلس به مدت بيش از 70 سال بوده است. اين رابطه خاص در دوران اوباما به صورت عمده اي کاهش يافته و حتي در مواردی مورد استهزا قرار گرفته است و دولت اوباما به طور حيرت انگيزي از احترامی که براي مهمترين شريك و متحد راهبردي آمريكا قائل بود، کاسته است. نظر دولت کنوني آمريكا درباره اين رابطه در اظهارات يکي از مقامات وزارت خارجه در ماه مارس 2009 خلاصه شده است:

"چيز خاصی راجع به انگليس وجود ندارد. شما نيز مانند 190 کشور ديگر جهان هستيد. شما نبايد انتظار رفتاري خاص با خود را داشته باشيد."

* عدم نگراني درباره نقض حقوق بشر

اين مسأله به ميزان زيادي مشخص شده که کاخ سفيد اهميت کمي به مسائل حقوق بشري در سطح بين المللي مي دهد و برغم دولت قبلي، آزادي ملت ها در خاورميانه و ديگر مناطق جهان را در دستور کار خود ندارد. در عوض اين دولت همچنان تمايل داشته است که رهبري آمريكا را تسليم موسسات فراملي مانند سازمان ملل کند که هيچ سابقه اي در مقابله با ديکتاتوري ها ندارند.

دولت اوباما ارزش بيشترى براي تعامل با رژيم هاي متخاصم قائل است حتي اگر آنها سابقه بدی در نقض حقوق بشر داشته باشند و بر اين عقیده است که بدست آوردن توجه آنها منجر به افزايش امنيت آمريكا مي شود. اين رویکرد درباره ايران، روسيه و کره شمالي اعمال شده است. در عين حال دولت آمريكا به سرعت دست دوستي خود را به سوي حاکمان مستبدي چون "عمر حسن البشير" دراز کرد و سابقه نسل کشي دولت سودان و شبه نظاميان وابسته به آن يعني "عرب جانجاويد" را که صدها هزار نفر را به خاک و خون کشيدند، به فراموشي سپرد. ژنرال بازنشسته نيروي هوايي آمريكا "جي. اسکات گريشن" فرستاده ويژه اوباما به سودان راهبرد جديد دلجوبي از دشمنان را اينگونه توصيف کرد: "ما بايد به ارائه مشوق ها فکر کنيم. کودکان و کشورها به ستاره هاي طلايي، صورت هاي خندان، دست دادن ها، توافقات، گفت و گو و تعامل واکنش نشان مي دهند."

* آمريكا ضعيف تر و دشمنان آن قويتر مي شوند

دولت اوباما در جهاني که روز به روز خطرناکتر مي شود، رويکردي فروتنانه نسبت به رهبري آمريكا برگزيده است. در حالي که دشمنان آمريكا قويتر مي شوند، آمريكا ضعيف تر و آسيب پذيرتر مي نمايد. در عين حال، متحدان آمريكا مانند انگليس، اسرائيل، ژاپن و اروپاي مرکزي و شرقي همگي متوجه اين سياست کاخ سفيد شده اند که تمايل بيشترى به عذرخواهي از سياست هاي خصمانه آمريكا نسبت به تقويت دوستي با متحدان اصلي اين کشور وجود دارد.

سياست خارجي بزدلانه دولت اوباما آخرين چيزي است که جهان در دوران آشفتگي فزاينده خاورميانه، از جمله تهديد ايران هسته اي و ظهور مبارزان مسلمان از مصر تا يمن به آن نياز دارد. اکنون نياز بيشترى به رهبري آمريكا احساس مي شود اما اين رهبري به طور حيرت انگيزي از صحنه جهاني غايب بوده است.

رئيس جمهوري آمريكا به طور غيرعادي نتوانست چهره آمريكا را به عنوان يك ابرقدرت منحصريفرد نشان دهد. بر اساس دکترين اوباما، خاص بودن آمريكا يك ايده بي معناست و يکي از پايه هاي اصلي تفکر راهبردي آمريكا محسوب نمي شود.

* دولت اوباما شاهد بزرگترين افول قدرت جهاني آمريكا از دوران کارتر است

دولت اوباما بزرگترين افول قدرت جهاني آمريكا از دوران جيمي کارتر تاکنون است. اما بايد به اين نکته توجه کرد که اين کشور تنها با بازسازي قدرت دفاعي آمريكا، کاهش کسري بودجه، رهبري بين المللي قوي و احياي اتحادهاي ضروري با دوستان، مي تواند بر تهديد ها و چالش هاي جدي قرن بيست و يکم فائق آيد.